

یادداشت

طالبان و تغییر تاکتیکی زیرکانه



مجتبی خراسانی

روزنامه‌نگار

اوضاع در افغانستان آشفته‌تر از آن چیزی است که در رسانه‌ها گزارش می‌شود. این را می‌توان در تمام ۱۴۳ ولسوالی دید که گروهک طالبان در دوماه اخیر آنها را تصرف کرده است. منابع خبری می‌گویند این گروهک عزم تصرف شمال و شمال شرق افغانستان را کرده و بیشترین پیشروی را نیز در ولایت‌های شمال شرقی همچون بدخشان داشته است. این وضعیت احتمال تشدید ناامنی و یک جنگ داخلی مجدد را در افغانستان تقویت کرده و همین نیز باعث نگرانی کشورهای همسایه‌اش شده است. بر همین اساس نیز کشورهای همسایه افغانستان و حتی کشورهایی همچون ترکیه تلاش کردند تا با برگزاری گفت‌وگوهای بین‌الافغانی، راهی برای دستیابی به صلح پیدا کنند. دیروز چهارشنبه ایران نیز میزبان یکی از این نشست‌ها با حضور نمایندگان دولت افغانستان، شخصیت‌های عالی‌جناب و هیات‌عالی سیاسی طالبان در محل وزارت امور خارجه بود. در این نشست که چهار هیات افغان «هیات کمیسیون فرهنگی پارلمان افغانستان»، «هیات‌عالی‌رتبه سیاسی طالبان»، «هیات‌عالی‌رتبه سیاسی جمهوریت» و «هیات‌عالی ناظر بر روند تثبیت هویت اتباع» حضور داشتند، طرفین به بررسی راهکارهای دستیابی به صلح در افغانستان پرداختند. «یونس قانونی»، «کریم خرم»، «ارشاد احمدی»، «محمدالله بٹاش»، «ظاهر وحدت» و «سلام رحیمی» اعضای هیاتی سیاسی هستند که از کابل به تهران آمده و نگاهی به این ترکیب نشان می‌دهد تقریباً این گروه از تمام اقوام و جهت‌ها نمایندگی کرده و می‌تواند تسهیل‌گر خوبی برای ادامه این گفت‌وگوها در آینده باشد. از سوی دیگر، رهبران ارشد سیاسی طالبان نیز به تهران آمده‌اند که این خود نشان از عزم جدی این گروه برای حاضرشدن در میز مذاکرات بین‌الافغانی دارد. درباره جزئیات این نشست، خبری منتشر نشده است اما با توجه به روند پیش‌روی طالبان در افغانستان و خروج نیروهای بیگانه، به‌نظر نمی‌رسد این گروهک، میل چندانی به تقسیم قدرت با دیگر گروه‌ها و اقوام داشته باشد. اگرچه آنها در نشست تهران حضور پیدا کرده‌اند، اما نمی‌توان این حضور را به‌معنای جمع‌بندی آنها درباره بی‌نتیجه بودن جنگ و گزینه نظامی برای رسیدن به اهداف‌شان دانست. طالبان میل بازگشت به قدرت را دارد و اکنون می‌خواهد در این مذاکرات با توجه به پیشروی‌های خود، طرف یا طرف‌های مقابل را به این نتیجه برساند که قدرت را به‌صورت مسالمت‌آمیز به این گروهک تقدیم کند و درعوض سهم ناچیزی از قدرت را در دست داشته باشند. به‌عبارت ساده‌تر، طالبان به این مذاکرات از موضع بالاتر روی آورده است و قصد دارد بدون زحمت، دیگران را راضی به همراهی با خود کند؛ چراکه درصورت مقاومت دیگران، احتمال دارد تسلط آنها بر تمام افغانستان، در یک بازه طولانی و نامشخصی اتفاق بیفتد و تداوم ناامنی، بار دیگر اسباب دخالت در این کشور را فراهم کند.

در چند ماه و به‌ویژه در چند هفته گذشته، برخی در ایران از تغییر رفتار طالبان نسبت به دو دهه پیش می‌گویند، اما آنها نه‌تنها هیچ ابزار قابل اعتنایی برای اثبات این گزاره ندارند و نمی‌توانند اثبات کنند که این تغییر رفتار یک «تاکتیک» است یا ناشی از یک دگردیسی در این گروهک. نه‌تنها این افراد که حتی ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان نیز گزاره‌های قابل اعتنایی در این باره ندارد. اینکه طالبان چه تفاوتی با دو دهه قبل کرده است، سوالاتی بود که در عصر روز گذشته در نشست مجازی با سخنگوی طالبان از مجاهد پرسیده شد. برای نگارنده که در آن جلسه به‌عنوان مهمان حضور داشتم، پاسخ سخنگوی طالبان درباره تغییر رفتار این گروهک بسیار پراهمیت بود، اما آنچه مجاهد گفت، چنین چیزی را نشان نمی‌داد. او در پاسخ به تغییر طالبان مدعی شد که در ابتدا این گروهک متشکل از افراد جوان ۳۰ساله بوده ولی اکنون بعد از گذشت ۲۰سال همه مسئولان طالبان، تجربه کسب کردند و پخته شدند. منظور او از این جمله، توجیه جنایاتی بود که طالبان تا پیش از سقوط در افغانستان مرتکب شده است. به‌عبارت ساده‌تر، مجاهد این جنایات را به‌پای جوان و ناچتگی عناصر طالبان نوشته است. موضوع دیگری که او به آن به‌عنوان فکت تغییر طالبان اشاره کرد، توسعه روابط سیاسی با کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان است. اگرچه رهبران طالبان در طول این دو دهه پخته‌تر شده‌اند و تغییراتی کرده باشند، اما در ایدئولوژی آنها تغییری ایجاد نشده و حداقل طالبان به‌وضوح به این تغییرات اشاره نکرده‌اند. در شرایط فعلی هیچ فکت و داده‌ای وجود ندارد که اثبات کند تغییر طالبان چیزی بیش از یک تاکتیک است. طالبان روتوش شده امروز، همان طالبان سابق، ولی گرفتار در تنگناهای سیاسی تحمیل شده است. آنها در شرایط فعلی که قدرت را به‌طور کامل در دست ندارند، نیم‌نگاهی به بازیگران خارجی موثر در افغانستان و قدرت‌های بین‌المللی دارند و از این‌رو از تکرار رفتارهای گذشته‌شان پرهیز می‌کنند. اینکه اگر امروز طالبان همچون سابق دست به جنایت نمی‌زند را نباید به‌پای تغییر بنیادین آن دانست؛ طالبان واقعی را باید پس از بازگشت به قدرت دید.

فرهنگستان | تاخیر بیش از دوهفته‌ای در ازسرگیری

مذاکرات وین و تغییر لحن و کلمات مقامات آمریکایی، حکایت از اختلافات جدی در دل مذاکرات هسته‌ای دارد. اگرچه گفته می‌شد پیش‌نویس توافق ۹۰درصد پیشرفت داشته است اما به‌طور حتم، آن ۱۰درصد باقی‌مانده، مهم‌ترین بخش برای هر دو طرف بوده که نتوانستند آن را در دور ششم نیز رفع کنند. مقامات دو طرف دربرابر رسانه‌ها، از دیگری می‌خواهند که «تصمیم سخت»‌شان را بگیرند تا مذاکرات به نتیجه برسد اما در گفت‌وگوهای غیرمستقیم، واضح‌تر سخن می‌گویند. طرف آمریکایی در مذاکرات به اطلاع ایران رسانده است که به‌هیچ‌عنوان حاضر نیست به برجام سال ۲۰۱۵ بازگردد. این یعنی اینکه آنها حاضر به لغو فرمان اجرایی ترامپ در تحریم تسلیحاتی ایران که طبق برجام بخشی از منافع ایران است، نیستند و علاوه‌بر آن، بیش از ۵۰۰تحریمی که ترامپ با برچسب‌های حقوق بشری و مسائل موشکی و تروریسم، علیه ایران اعمال کرده را رفع نخواهند کرد و با این حال تهران باید این تهدد را به واشنگتن بدهد که باب گفت‌وگوهای دیگر را که به‌طور حتم مسائل منطقه‌ای و موشکی است نیز باز خواهد کرد. بر فرض محال که تهران این شروط را بپذیرد، دولت بایدن اعلام کرده نمی‌تواند هیچ‌گونه ضمانتی درباره عدم خروج دوباره دولت‌های بعدی آمریکا از برجام بدهد و احتمال دارد پس از سال ۲۰۲۴ هرکس رئیس‌جمهور شود، از این برجام‌پلاس خارج شود. تهران خود را در موقعیتی نمی‌بیند که بخواهد دربرابر چنین خواسته‌ای تسلیم شود و اگر محاسبات تهران جز این بود، در همان دوره ترامپ پای میز مذاکره می‌فت. با این حال پس از مذاکرات وین ۶، تقریباً میز مذاکرات به حالت نیمه‌تعطیل درآمد تا آمریکا زورآزمایی در زمین را به جای مذاکره دنبال کند. حمله پهنپای به شرکت تکنولوژی سانتریفیوژ ایران (تسا) در دوم تیرماه و همچنین حمله به گروه‌های مقاومت در مرز البوکمال، در همین راستا قابل تفسیر است. این ماجراجویی‌ها البته بی‌پاسخ نماند و به‌اشکال گوناگون تهران به واشنگتن این پیام را ارسال کرد که دربرابر ماجراجویی‌ها، تماشاچی نمی‌ماند. ایران تنها به این سطح از پاسخ اکتفا نکرد و در حوزه هسته‌ای با تولید اورانیوم فلزی با غنای ۲۰درصدی برای سوخت راکتور تحقیقاتی تهران، برگ جدیدی را روی میز مذاکرات قرار داد. خبر این اقدام را روز سه‌شنبه خبرگزاری رویترز به‌نقل از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد و نوشت: «ایران به دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) اطلاع داده قصد دارد به تولید اورانیوم فلزی غنی‌شده تاخلوس ۲۰درصد برای سوخت راکتور بپردازد.» کاظم غریب‌آبادی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی در وین

سیاست

تولید اورانیوم فلزی دست ایران را در مذاکرات هسته‌ای پر کرد

برگ برنده جدید ایران در مذاکرات وین



خود، سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ را حفظ کرده است. تنها راه برای خروج از این دور باطل، ازسرگیری مذاکرات وین بدون تاخیر و احیای کامل برجام است.» برخلاف روسیه، آمریکا و شرکای اروپایی‌اش از اقدام جدید ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. «ند پرایس» سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در یک نشست خبری از اینکه ایران درحال آغاز روند تولید فلز اورانیوم با غنای ۲۰درصد به‌عنوان بخشی از فرآیند تأمین سوخت راکتور تحقیقاتی تهران است، ابراز نگرانی کرد. او گفت: «تا جایی که من می‌دانم، این گزارش تا زمانی که شورای حاکم آژانس بین‌المللی اقدام به انتشار آن کند، محدود خواهد ماند. ولی ما شاهد این هستیم که برخی رسانه‌ها مطالبی را درباره این سند ارائه کرده‌اند.» او مدعی شد که ایران تصمیم گرفته است عدم پایبندی خود را به تعهداتش در برجام تشدید کند، مساله‌ای نگران‌کننده است.

سه کشور اروپایی آلمان، بریتانیا و فرانسه نیز در بیانیه پادشاهی متحده مراتب نگرانی شدید خود را از جدیدترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که تأیید می‌کند ایران گام‌های برای تولید اورانیوم فلزی غنی‌شده برداشته، ابراز می‌داریم.»

در بخش دیگری از بیانیه تروئیکای اروپا از گام جدید ایران به‌عنوان مورد دیگری از «فعالیت‌های ناقض برجام» یاد شده است. در این بیانیه آمده است: «ما قویا از ایران می‌خواهیم تمامی فعالیت‌های ناقض برجام را بی‌درنگ

و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه‌شنبه‌شب از تولید قریب‌الوقوع اولین صفحه سوخت سیلیساید در ایران خبر داد. برنامه سازمان انرژی اتمی برای تولید صفحه سوخت سیلیساید برای استفاده در راکتور تهران، ۹روز قبل به اطلاع آژانس رسید و بلافاصله امور عملیاتی آن آغاز شد. به گفته غریب‌آبادی «سوخت سیلیساید، نوعی مدرن از سوخت هسته‌ای است که فناوری آن صرفاً در اختیار تعداد انگشت‌شماری از کشورهاست. ایران فعالیت تحقیق و توسعه در این خصوص را با اورانیوم طبیعی حدود سه‌ماه قبل شروع کرده بود اما گفته می‌شود حسن روحانی مانع پیشرفت این پروژه به‌دلیل احتمال به سرانجام رسیدن مذاکرات شده است. با این حال در فرآیند جدید، یک صفحه سوخت جدید به استفاده از اورانیوم غنی‌شده ۲۰درصد تولید می‌شود. با این اقدام، کیفیت و کمیت تولید رادیودروهای ایرانی به‌طور قابل‌توجهی ارتقا خواهد یافت و ایران به یکی از کشورهای پیشرو در حوزه فناوری هسته‌ای تبدیل خواهد شد.

دریافت پیام تهران

بلافاصله پس از اعلام خبر غنی‌سازی در ایران ازسوی آژانس، «میخائیل اولیانوف» نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین در حساب کاربری‌اش در توئیتر خواهان احیای کامل برجام شد و نوشت: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داده ایران قصد تولید اورانیوم فلزی غنی‌شده تا ۲۰درصد را دارد.» آمریکا به‌نوبه

خود پاسخ دهیم. به‌هیچ‌وجه پذیرفته‌شده نیست که بخواهیم یک دوره طولانی را منتظر بمانیم و به اقدامات دیپلماتیک بپردازیم و در صحنه عمل به نیازهایمان پاسخ ندهیم و فعالیت‌های فنی را متوقف کنیم. این اقدام درواقع به آمریکایی‌ها نشان می‌دهد در پیشرفت برنامه و صنعت هسته‌ای خود جدی هستیم و براساس نیازها پیش می‌رویم و باید بیشتر از این پیش برویم. فکر می‌کنم در دولت آینده باید صنعت غنی‌سازی و هسته‌ای به کمک کشاورزی بیاید و آن را بهره‌ورتر و قوی‌تر کند.

فکر می‌کنید در آینده تا چه حد امکان افزایش درصد غنی‌سازی اورانیوم برای ایران وجود دارد؟

براساس معاهدات بین‌المللی و اینکه عضو آژانس هستیم مجازیم هر مقدار که نیاز داریم غنی‌سازی انجام دهیم، ما محدودیتی نداریم. هر مقدار نیاز صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز ما باشد به همان میزان غنی‌سازی خواهیم کرد. در گذشته این‌طور بوده و در آینده هم همین‌طور است. ما پیشبران‌های هسته‌ای را داریم که روی آن چندسالی است که کار می‌شود و ان‌شاءالله باید در آینده نه‌چندان دور منتظر این باشیم که اولین فعالیت‌های موفق را در این حوزه داشته باشیم. با توجه به متوسط نیاز پیشران‌های هسته‌ای باید غنی‌سازی را از ۲۰درصد به مقادیر بالاتر افزایش دهیم. ما غنی‌سازی ۶۰درصد را در کشور شروع کردیم چون نیاز واقعی کشور است. راکتور تهران قبل از اصلاحات از غنی‌سازی بالای ۹۰درصد استفاده می‌کرد که این به‌معنای انحراف نیست. به هر میزان نیاز داشته باشیم به غنی‌سازی اورانیوم خواهیم پرداخت. در طول ۸سال گذشته غربی‌ها تنها جلساتی برگزار کردند و مذاکرات دیپلماتیک را جلو بردند و در حوزه بحث‌های بانکی، بیمه و فروش نفت به تعهدات خود عمل نکردند و اجازه ندادند صنعت ما پیش برود. با برجام عملاً صنعت هسته‌ای کشور ما متوقف شد. در سال‌های آینده نباید این مسیر را پیش بگیریم. ما باید ۲۰هزار مگاوات برق هسته‌ای تولید کنیم اما امروز تنها هزار مگاوات برق هسته‌ای داریم. ما یک راه طولانی تا اهدافی که کشور در حوزه صنعت هسته‌ای ترسیم کرده فاصله داریم و باید این مسیر در دولت آینده با سرعت و جدیت پیگیری شود.

به‌صورت مصداقی بخواهید بیان کنید، دولت رئیس‌ی در صنعت هسته‌ای یک کار را به‌عنوان اولویت استراتژیک خود انجام دهد، چیست؟ یکی از نکات بسیار مهم و کلیدی که باید در دولت آینده دنبال کنیم، صنعت هسته‌ای را در اجزای مختلف صنعت و کشاورزی و پزشکی ورود دهیم تا بتوانیم از دستاوردهای این صنعت و فناوری استفاده کنیم. امروز صاحب فناوری بومی هسته‌ای هستیم



اما از این صنعت در حوزه پزشکی آن میزان که باید استفاده نکردیم. ما در این مورد می‌توانیم در تولید تجهیزات پزشکی و استریل کردن آن، در روش‌های جدید درمان همانند یون درمانی و تولید رادیوداروها از صنعت هسته‌ای بهره ببریم و حتی صادرات جدی در این حوزه نیز داشته باشیم و درآمدهای خوبی برای کشور محقق کنیم.

طرف ایرانی معتقد است مذاکرات به شرایطی رسیده که باید آمریکایی‌ها برای به نتیجه رسیدن آن تصمیمات سختی بگیرند، این تصمیمات سخت دقیقاً چیست؟

آمریکایی‌ها یک‌بار بدقولی کردند. تعهدی را قبول کردند و هیچ قسمت از آن را اجرا نکردند و درطول مدت پس از برجام نیز پیاپی ما را تحریم کردند و این معاهده را نقض کردند و درنهایت هم از آن خارج شدند. چه تضمینی وجود دارد یک‌بار دیگر این اتفاق نیفتد؟ جمهوری اسلامی این تضمین را الان می‌خواهد که آمریکا دوباره عهدشکنی نکند. تصمیم سختی که آمریکا باید بگیرد این است که مسئولان این کشور باید حتماً مکتوب متعهد شوند تحت هیچ شرایطی مجاز به زدن زیر تعهدات خود نیستند. در این مدت نیز هیچ تحریمی را وضع نکنند. بعد این است که آنها باید تعهدات قبلی خود را نیز کامل اجرا کنند و تحریم‌هایی که اعمال کردند به‌طور کامل بردارند و ما هم این مساله را راستی آزمایی کنیم. این امر به این معنا نیست که تعلیق کنند بلکه باید به‌طور کامل کنسلسل و رفع کنند. این تصمیم جدی است که آمریکایی‌ها باید بگیرند. من این تصمیم را برای یک کشور سخت نمی‌دانم ولی برای کشوری به‌عهد مثل آمریکایی تصمیم سختی است. کشوری که توافقی را امضا می‌کند و به‌سادگی زیر آن می‌زند، شاید سخت باشد که تعهدی بدهد و آن را اجرا کند. این آن چیزی است که حق ماست و باید تحریم‌ها را براساس برجام رفع کنند. تعلیق کوتاه‌مدت ۳۰روزه، ۶۰روزه یا ۹۰روزه به‌هیچ‌وجه مطلوب ما نیست. این اثری ندارد زیرا کشورهای دنیا و طرف‌های مقابل ما می‌فهمند که آمریکا تعلیق کرده است لذا با ما معامله نخواهند کرد. بنابراین باید این تحریم‌ها کامل رفع شود و رسماً این را مکتوب بنویسد. دفعه قبل تحریم‌ها را تعلیق کردند اما به شرکت‌های بزرگ دنیا و دولت‌ها رسماً در مذاکرات اعلام کردند هر لحظه ممکن است تحریم‌ها را برگردانیم، لذا کشورها وارد معامله با ما نشدند. امروز باید به ما مکتوب تعهد دهند که پای این تعهدات ایستاده‌اند. وقتی تحریم‌های نفتی را بومی‌دارند باید راستی آزمایی کنیم که شدنی است و واقعا تحریم برداشته شده است و نفت را می‌توان فروخت و به میزان مورد نیاز نفت فروش می‌رود و پول آن به داخل کشور برمی‌گردد یا تحریم‌های سرمایه‌گذاری ما یا تحریم‌های پولی و بانکی و مالی ما باید برداشته شود و در یک مدت لازم راستی آزمایی شود.